

| The Rule of Importance in International Law & the Scope of Giving Importance to Importance Therein | | |
|---|--|---|
| Authors | | Organizational Affiliation |
| Ali Gasemi * | | Faculty Member, Department of Political Jurisprudence, Shahid Beheshti University |
| Mohammad Mehdi Babapoor Golafshani | | Faculty Member, Department of Political Jurisprudence, Shahid Beheshti University |
| Seyyed Saeed Mir Ahadi | | Master's Degree Graduate, Department of Political Jurisprudence, Shahid Beheshti University |
| Article Information | | Abstract |
| Article Type | Research | The rule of "important and important" is one of the fundamental principles of Islamic jurisprudence, which emphasizes the preference of more important issues over less important matters in situations of conflict between different matters. This rule, relying on Sharia principles and jurisprudential rationality, plays a decisive role in prioritizing and regulating decisions, especially in the field of international law. The present study aims to conduct a comparative and analytical study of the rule of "important and important" in Shiite jurisprudence and its application in international law. In the theoretical part, the jurisprudential foundations and principles related to this rule and the views of Shiite jurists on the role of reason in determining priorities are examined, and the application of this rule in complex legal and international issues is analyzed. The research method is library and data analysis, and the results show that the rule of "important and important" can be used as an effective strategy in regulating the policies and legal decisions of Islamic countries in the international arena. This rule, by providing a rational and religious framework, paves the way for making balanced decisions based on strategic priorities in international law and can help to enhance the position of Islamic countries in the international legal system and improve the management of global conflicts and crises. This research shows that applying the most important principle of international law strengthens national and Islamic interests. |
| Pages | 63 - 75 | |
| Volume 2, Issue 1 | | |
| Corresponding Author's Info | | |
| Corresponding Author's | Ali Gasemi | |
| ORCID | 0000-0000-0000-0000 | |
| Tell | 09141539440 | |
| Email | a_qasemi@sbu.ac.ir | |
| Article History | | |
| Received | 2025/04/04 | |
| Revised | 2025/04/21 | |
| Accepted | 2025/05/05 | |
| Published Online | 2025/06/07 | |
| Research Method | Descriptive Analytical | |
| Keywords | <i>The Most Important Rule, International Law, Jurisprudential Principles, Religious Principles</i> | |
| Description | | |
| <i>All rights to this article belong to the authors.</i> | | |
| <i>Readers of this magazine are permitted to distribute, recombine, and modify the material with due acknowledgement of the source.</i> | | |
| How to Cite This Article | Gasemi, Ali; Babapoor Golafshani, Mohammad Mehdi; Mir Ahadi, Seyyed Saeed (2025), "The Rule of Importance in International Law & the Scope of Giving Importance to Importance Therein", Quarterly Journal of Interdisciplinary Studies in Islamic Law & Education, Volume 2, Issue 1, (Third Consecutive Issue), Pages 63 - 75 | |

۱- مقدمه

قاعده «اهم و مهم» یکی از اصول اساسی و کلیدی در فقه اسلامی است که به تبیین و تعیین اولویت‌ها در شرایط بحرانی و متعارض کمک می‌کند. این قاعده مبتنی بر تحلیل عمیق شرایط واقعی و ارزیابی دقیق منافع و مضرات است و در عرصه سیاست بین‌الملل و حقوق بین‌الملل، کشورها همواره با شرایط پیچیده و چندوجهی روبرو هستند که نیازمند اولویت‌بندی و تصمیم‌گیری‌های هوشمندانه و راهبردی می‌باشد. شناخت و به‌کارگیری قاعده مهم و مهم در سیاست خارجی و حقوق بین‌الملل می‌تواند راهگشای حل بسیاری از منازعات و بحران‌های بین‌المللی باشد و به کشورها کمک کند تا تصمیمات استراتژیکی را با در نظر گرفتن منافع حیاتی، امنیت ملی و اولویت‌های بلندمدت اتخاذ کنند. قاعده مهم و مهم در مواجهه با تضادهای سیاسی، اقتصادی و امنیتی که کشورها با آن مواجه‌اند، به‌عنوان یک ابزار مفهومی، تحلیلی و راهبردی عمل می‌کند. در مواقعی که یک کشور بین دو گزینه مانند مشارکت در یک پیمان صلح یا ادامه یک جنگ قرار می‌گیرد، این قاعده می‌تواند با در نظر گرفتن منافع ملی و عمومی، بهترین تصمیم ممکن را تسهیل کند. بر این اساس، قاعده مهم و مهم به‌عنوان یک اصل راهبردی در سیاست خارجی و حقوق بین‌الملل به کشورها کمک می‌کند تا از تصمیم‌گیری‌های شتاب‌زده و واکنش‌های ناپخته پرهیز کرده و به اتخاذ تصمیماتی مبتنی بر عقلانیت، تحلیل دقیق و منافع عمومی روی آورند. در سیاست بین‌الملل، قاعده مهم و مهم به تحلیل شرایط و تعیین اولویت‌ها بر اساس اهمیت مسائل کمک می‌کند و در سیاست خارجی کشورها، این قاعده به عنوان راهنمایی برای تحلیل و ارزیابی تصمیمات در زمان‌های بحرانی به کار می‌رود (صدر، ۱۳۹۵: ۳۲). بررسی اصول فقهی در سیاست بین‌الملل نشان می‌دهد که قاعده مهم و مهم می‌تواند به کشورها کمک کند تا در مواجهه با تهدیدات امنیتی، راهبردهایی اتخاذ کنند که به حفظ منافع حیاتی و امنیت ملی کمک نماید. این قاعده به‌عنوان ابزاری برای تحلیل‌های پیچیده سیاسی، اقتصادی و حقوقی معرفی شده است و کشورها می‌توانند با استفاده از آن، تصمیماتی اتخاذ کنند که از ورود به منازعات بی‌ثمر و زیان‌آور جلوگیری کند (مطهری، ۱۳۹۴: ۵۲). همچنین این قاعده به کشورها امکان می‌دهد تا با تحلیل عقلانی و در نظر گرفتن پیامدهای بلندمدت، از اتلاف منابع و ورود به جنگ‌های غیرضروری و اتخاذ تصمیمات شتاب‌زده و غیرمنطقی در مواجهه با بحران‌های بین‌المللی پرهیز کنند و به‌جای آن، تصمیمات مبتنی بر تحلیل دقیق و در نظر گرفتن مصالح عمومی اتخاذ نمایند (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۸۰: ۱۲۳). قاعده مهم و مهم به‌عنوان ابزاری مؤثر برای جلوگیری از ورود به منازعات و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به کار می‌رود (محلانی، ۱۳۹۳: ۷۸) و به کشورها کمک می‌کند تا از مواجهه با بحران‌های بین‌المللی به‌صورت هوشمندانه و با در نظر گرفتن اولویت‌های ملی و حقوقی خود عمل کنند. این قاعده به‌عنوان یک اصل کلیدی در تصمیم‌گیری‌های بین‌المللی معرفی شده و به کشورها کمک می‌کند تا منازعات را به‌طور مؤثر مدیریت کنند (شهیدی، ۱۳۹۲: ۷۶). سؤال اصلی این پژوهش این است که: «چگونه قاعده مهم و مهم می‌تواند در مدیریت بحران‌ها و تنظیم اولویت‌ها در حوزه سیاست و حقوق بین‌الملل به کشورها کمک کند؟» پاسخ این سؤال در این است که قاعده مهم و مهم با تکیه بر عقلانیت، تحلیل دقیق شرایط و ارزیابی منافع و تهدیدات، به کشورها کمک می‌کند تا در مواجهه با بحران‌های سیاسی، امنیتی و حقوقی بین‌المللی، تصمیمات هوشمندانه‌تر و راهبردی‌تری اتخاذ کنند. این قاعده به کشورها اجازه می‌دهد تا منافع و تهدیدات را از منظر اهمیت و فوریت تحلیل کرده و منابع خود را به‌صورت بهینه تخصیص دهند. همچنین بهره‌گیری از این قاعده، کشورها را قادر می‌سازد تا از ورود به منازعات بی‌فایده و پرهزینه خودداری کرده و در عوض بر مسائل حیاتی‌تر و استراتژیک‌تر تمرکز کنند که این رویکرد می‌تواند به کاهش تنش‌ها و مدیریت بهتر بحران‌ها در عرصه بین‌الملل و حقوق بین‌الملل منجر شود. به‌طور کلی، قاعده مهم و مهم به کشورها کمک می‌کند تا با تحلیل دقیق شرایط و در نظر گرفتن پیامدهای مختلف، تصمیماتی اتخاذ کنند که هم به حفظ منافع ملی و امنیت حقوقی کشورها و هم به ارتقاء صلح و ثبات بین‌المللی منجر شود.

۲- پیشینه شناسی

پژوهش‌های متعددی در رابطه با قاعده مهم و مهم و موضوعات نزدیک به آن توسط پژوهشگران به رشته تحریر در آورده شده اند که در زیر به بخشی از آنها اشاره می‌شود:

محمد مهدی کوهکن و مجید قربانعلی دولابی (۱۴۰۲)، در مقاله‌ای با عنوان «اولویت‌بندی کنش‌های سیاست خارجی دولت اسلامی از منظر فقهی» تأکید کرده‌اند که برای دستیابی سیاست خارجی حکومت اسلامی به اهداف سعادت و کمال جامعه، لازم است اقدامات و کنش‌های سیاست خارجی دولت اسلامی بر مبنای اصول و مبانی شریعت اسلامی تنظیم شود. هر چند نویسندگان محترم در این مقاله راهکارهای مناسبی ارائه داده‌اند، اما به بررسی جداگانه قواعد فقهی، به‌ویژه قاعده اهم و مهم، نپرداخته‌اند. با این حال در رابطه با اهمیت و کاربرد قاعده اهم و مهم در حقوق بین‌الملل اشاره‌ای نداشته‌اند.

کبری رحیمی و سعدالله رحیمی (۱۴۰۱)، در مقاله «بررسی قاعده اهم و مهم در خانواده» پس از مفهوم‌شناسی این قاعده، کاربرد آن را در روابط زوجین و نقش آن در تحکیم خانواده بررسی کرده و آن را از امور مهم در تحقق اهداف راهبردی خانواده دانسته‌اند. با این حال، این پژوهش به کاربرد قاعده اهم و مهم در حوزه سیاست بین‌الملل اشاره‌ای نکرده است.

احمد دیلمی و مراد جلیلی (۱۳۹۹)، در مقاله «قاعده اهم و مهم و کارکردهای حقوقی آن» بیشتر به مفهوم‌شناسی قاعده پرداخته و ضرورت ترجیح اهم بر مهم در اجرای احکام، به‌ویژه در عرصه حاکمیت و اداره کشور را بررسی کرده‌اند. آنها قائل به منشاء عقلی این قاعده بوده و آن را در همه جوامع انسانی کارآمد و ضروری دانسته‌اند. با این حال، کاربرد این قاعده در سیاست و حقوق بین‌الملل در این پژوهش مورد بررسی قرار نگرفته است.

لیلا یوسفی، سعید حسن‌زاده دلگشا و رحیم وکیل‌زاده (۱۳۹۸)، در مقاله «مبانی قرآنی و حدیثی کاربرد قاعده اهم و مهم در بهداشت و سلامت» پس از مفهوم‌شناسی قاعده، به بررسی کاربرد آن در حوزه بهداشت و سلامت پرداخته و آن را به عنوان حکمی ثانویه بسیار کارگشا دانسته‌اند که در سنجش مصالح و مفاسد امور کشوری مرتبط با سلامت افراد اهمیت ویژه‌ای دارد. با این حال، کاربرد قاعده اهم و مهم در سیاست بین‌الملل در این مقاله مطرح نشده است.

رضا اسفندیاری، حسین حجت‌خواه و مریم خادمی (۱۳۹۷)، در مقاله «ارزیابی مقایسه‌ای ادله و مبانی مذاهب پنج‌گانه فقهی در باب قاعده اهم و مهم» بیان کرده‌اند که این قاعده عمدتاً در تزامن احکام کاربرد دارد و مواردی مانند مصالح و مفاسد، ترتب احکام، زمان و مکان، از عوامل تعیین‌کننده اهمیت قاعده محسوب می‌شوند. با این حال، آنها نیز به کاربرد قاعده اهم و مهم در سیاست و حقوق بین‌الملل نپرداخته‌اند.

رضا الهامی و حسن پور لطف‌الله (۱۳۹۷)، در مقاله «جریان قاعده اهم و مهم در اکراه به قتل» پس از مفهوم‌شناسی و بررسی جایگاه قاعده اهم و مهم در فقه و حقوق موضوعه، به جواز و حتی وجوب قتل اکراهی در فرض جریان این قاعده اشاره کرده‌اند. اما این پژوهش نیز به کاربرد قاعده اهم و مهم در حوزه سیاست بین‌الملل نپرداخته است.

با توجه به مرور پیشینه‌های فوق، گرچه قاعده اهم و مهم در حوزه‌های مختلف فقهی، حقوقی، خانوادگی و بهداشتی مورد توجه قرار گرفته است، اما جایگاه و کاربرد این قاعده در سیاست خارجی و حقوق بین‌الملل به‌طور مستقل و تحلیلی کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. پژوهش حاضر درصدد است با تمرکز بر قاعده اهم و مهم، نقش و کاربرد آن را در مدیریت بحران‌ها، تنظیم اولویت‌ها و اتخاذ تصمیمات راهبردی در عرصه سیاست و حقوق بین‌الملل تحلیل و تبیین نماید.

۳- مفهوم‌شناسی

اقتضای ورود به هر بحثی، آشنایی با الفاظ و اصطلاحات آن بحث است؛ چه را که برای فهم دقیق تر هر علمی، لازم است تا با واژه‌ها و اصطلاحات آن علم آشنا شد. در صورت عدم آشنایی با معانی و مفاهیم دقیق و صحیح اصطلاحات، تبیین مباحث با مشکل مغالطه مواجه خواهد شد، برای جلوگیری از این آسیبها، ضرورت ایجاد معنای واژگان و اصطلاحات مهم بکار رفته در پژوهش روشن شود تا نتیجه‌گیری مشخص از مباحث امکان پذیر باشد. بر همین اساس در این قسمت از پژوهش به جهت آشنایی مخاطبین به بررسی متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش خواهیم پرداخت.

۳-۱- قاعده اهم و مهم

قاعده «اهم و مهم» یکی از اصول عقلی و فقهی کلیدی است که بر مبنای عقل و نقل (قرآن و سنت) استوار بوده و در بسیاری از روایات اسلامی به آن اشاره شده است. در متون فقهی، «تزامم» به معنای مواجهه مکلف با دو حکم تکلیفی است که انجام همزمان آنها ممکن نیست و باید یکی را بر دیگری ترجیح داد (علیدوست، ۱۳۸۸: ۲۱). این قاعده به فقیه و مکلف کمک می‌کند تا در شرایط تعارض احکام، تصمیم‌گیری صحیح و مبتنی بر اولویت‌ها داشته باشند. به ویژه در شرایط اضطراری و پیچیده که امکان اجرای همزمان همه احکام وجود ندارد، قاعده اهم و مهم بسیار کارآمد است؛ برای مثال در مدیریت بحران‌های اجتماعی مانند بلایای طبیعی، مسئولان می‌توانند از این قاعده برای تعیین اولویت‌های خود بهره ببرند (ایزدهی، ۱۳۹۳: ۹۳). فقیهان از قاعده اهم برای استنباط احکام در شرایط متعارض استفاده می‌کنند و این قاعده یکی از ابزارهای مهم در فرآیند اجتهاد و استنباط احکام شرعی است. در حقوق اسلامی نیز این قاعده به عنوان معیاری برای حل تعارضات و تراحمات احکام و قوانین به کار می‌رود (روضه سرا و حسین نژاد کریمی، ۱۳۹۶: ۷۴). در مواردی که دو حکم یا دو موضوع در تزامم قرار گیرند و امکان امتثال به هر دو نباشد، عقل حکم می‌کند که موضوعی که اهمیت بیشتری دارد بر سایر موضوعات رجحان یابد و مطابق آن عمل شود (توکلی و تختی، ۱۳۹۸: ۱۶). قاعده اهم در اصطلاح فقهی به معنای تقدم حکم مهم‌تر است؛ یعنی در جایی که بین دو حکم مهم و مهم‌تر، مزاحمت دوجانبه وجود دارد، باید به حکم اهم عمل کرد. مثلاً اگر دو نفر در حال غرق شدن باشند و تنها بتوان یکی را نجات داد، نجات فردی که اهمیت بیشتری دارد (مانند دانشمند) مقدم است (دیلیمی و جلیلی، ۱۳۹۸: ۹). این قاعده از اصول عقلی است و اگرچه در منابع نقلی به آن تصریح شده، جنبه ارشادی دارد نه تعبدی (مولوی، ۱۳۹۲). قاعده اهم و مهم مربوط به موارد تزامم ملاک‌های احکام در مقام عمل است؛ یعنی مکلف نمی‌تواند به دو حکم شرعی اهم و مهم عمل کند و تنها بر انجام یکی از آن دو قادر است، بنابراین باید به اهم عمل کند و مهم را فرو گذارد. برای مثال، در شرایط اضطراری، کاری که در حالت عادی حرام است، ممکن است واجب شود (مولائی، ۱۴۰۲: ۱۷۳). مفهوم کلی این قاعده پیش داشتن مصلحت ملزمه است؛ به این معنی که هرگاه مصلحتی پیش آید که ناچار باید مراعات شود، بر امور دیگر مقدم می‌شود. این قاعده نزد اصولیان به عنوان یکی از مرجحات باب «تزامم» شناخته می‌شود (وسکوئی اشکوری و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۱۸). در مجموع، قاعده اهم و مهم با تأکید بر تقدم امور مهم‌تر در شرایط تزامم، ابزاری عقلانی و شرعی برای تصمیم‌گیری‌های صحیح در عرصه‌های مختلف فقهی و حقوقی است که نقش مهمی در اجتهاد و حل تعارضات دارد.

۳-۲- حقوق بین الملل

حقوق بین‌الملل نظامی پویا و ارزش‌محور است که وظیفه صیانت از حکومت قانون در عرصه بین‌المللی و تحقق ارزش‌هایی چون بشریت، عدالت و امنیت را بر عهده دارد. این نظام حقوقی از هنجارها و ارزش‌هایی تشکیل شده که اهداف اجتماعی، سیاسی و اخلاقی حقوق را نمایندگی می‌کنند و به همین دلیل، حقوق بین‌الملل بیش از آن که صرفاً بر قواعد موضوعه استوار باشد، مبتنی بر مبانی و اصول ارزشی است. منابع اصلی حقوق بین‌الملل شامل معاهدات، عرف، اصول کلی حقوقی و در موارد خاص، آرای قضایی و دکترین است. اصول کلی حقوقی، به‌رغم نقش بنیادین‌شان، هنوز در مقایسه با سایر منابع، کمتر شناخته شده‌اند اما نقشی اساسی در پویایی و توسعه حقوق بین‌الملل دارند و مانع از رکود این نظام می‌شوند. اهمیت این اصول تا جایی است که برخی حقوقدانان معتقدند بدون وجود اصول کلی، حقوق بین‌الملل کارکرد مؤثر خود را از دست می‌دهد و واکنش به چالش‌های جدید و تکامل این نظام تا حد زیادی مرهون بهره‌گیری از این اصول است. اصول کلی حقوقی ممکن است ریشه در نظام‌های حقوق داخلی داشته باشند یا خاص حقوق بین‌الملل باشند و به عنوان پایه‌های ساختاری نظام حقوق بین‌الملل، توسط دولت‌ها و محاکم بین‌المللی مورد توجه قرار می‌گیرند. این اصول، علاوه بر نقش مکمل در موارد خلأ قانونی یا اختلاف ناشی از معاهده و عرف، به عنوان ابزاری برای تفسیر و توسعه قواعد حقوق بین‌الملل نیز به کار می‌روند و به نظام حقوقی بین‌المللی امکان پاسخگویی به تحولات و نیازهای جدید را می‌دهند. در واقع، اصول کلی حقوقی، جوهره و اساس هر نظام حقوقی را تشکیل می‌دهند و بدون شناسایی و رعایت آن‌ها، هیچ شکل پایداری از همکاری و همزیستی بین‌المللی متصور نیست. این اصول جلوه‌ای از وجدان حقوقی جهانی هستند و در پرتو آن‌ها، حقوق بین‌الملل باید تفسیر و اجرا شود.

با وجود چالش‌هایی که در تعریف، قلمرو و منشأ این اصول وجود دارد، نقش آن‌ها در تضمین پویایی، تکامل و مشروعیت حقوق بین‌الملل غیرقابل انکار است و به همین دلیل، همواره مورد توجه واضعان قواعد و قضات بین‌المللی قرار داشته‌اند (محمودی کردی، ۱۳۹۷: ۹۶۴-۹۹۳).

۴- جایگاه حقوقی قاعده اهم و مهم در حقوق بین‌الملل

قاعده اهم و مهم یکی از اصول اساسی حقوق اسلامی است که در تعیین اولویت‌ها بین مسائل مختلف به کار می‌رود. این قاعده در حقوق بین‌الملل نیز اهمیت بسیاری دارد و در حوزه‌های مختلفی از جمله حقوق بشر دوستانه، حقوق بشر، و حقوق محیط زیست به کار گرفته می‌شود که در ذیل به برخی از آنها پرداخته می‌شود:

۴-۱- حقوق بشر دوستانه

قاعده اهم و مهم به عنوان معیاری کلیدی در تصمیم‌گیری‌های انسانی، حقوقی و اخلاقی به کار می‌رود و به تعیین اولویت‌ها کمک می‌کند. در شرایط جنگ و درگیری‌های مسلحانه، این قاعده به ویژه در نجات جان غیرنظامیان و مقابله با اهداف نظامی اهمیت دارد. برای مثال، در جنگ سوریه، اولویت دادن به حفظ جان غیرنظامیان بر تخریب اهداف نظامی، از خسارات جانی و مالی بیشتر جلوگیری کرده است (نوروزی، ۱۴۰۲: ۲۱۵۰). همچنین، این قاعده در تدوین قوانین بین‌المللی بشردوستانه نقش مهمی دارد و از بروز فجایع انسانی جلوگیری می‌کند. در حقوق بشر، قاعده اهم و مهم به تعیین تقدم حقوق بنیادین کمک می‌کند؛ مثلاً حق حیات بر حق آزادی بیان اولویت دارد، به ویژه زمانی که آزادی بیان ممکن است جان افراد را تهدید کند (طایفه شهاب، ۱۴۰۰: ۲۴). این قاعده همچنین در حفظ تعادل بین حقوق اقلیت‌ها و اکثریت نقش دارد. در حوزه امنیت ملی و حفظ حریم خصوصی، قاعده اهم و مهم راهنمایی برای تعیین اولویت‌هاست؛ به گونه‌ای که امنیت ملی ممکن است مستلزم محدودیت‌هایی بر حریم خصوصی باشد، اما باید از تضییع غیرضروری حقوق شهروندان جلوگیری شود (کریمی، ۱۳۹۹: ۳۶۰). همچنین، در مدیریت بحران‌های انسانی مانند پناهنجویی، این قاعده به تخصیص منابع محدود بر اساس نیازهای فوری‌تر کمک می‌کند (محمودی و صادقی، ۱۴۰۰: ۴۵۰). در مسائل زیست‌محیطی نیز، قاعده اهم و مهم به تصمیم‌گیران کمک می‌کند تا با در نظر گرفتن اثرات بلندمدت، تصمیمات متوازی اتخاذ کنند که توسعه اقتصادی و حفاظت محیط زیست را همزمان تضمین کند (حسینی و کاظمی، ۱۴۰۱: ۱۱۰). در مجموع، قاعده اهم و مهم ابزاری حیاتی برای حفظ تعادل میان منافع مختلف و پیشگیری از آسیب‌های جبران‌ناپذیر در حوزه‌های مختلف است.

۴-۲- حقوق محیط زیست

قاعده اهم و مهم در حقوق محیط زیست به عنوان معیاری کلیدی برای تصمیم‌گیری‌های مرتبط با تعادل میان توسعه اقتصادی و حفاظت از محیط زیست کاربرد دارد. این قاعده کمک می‌کند تا در مواردی که توسعه صنعتی ممکن است به آسیب‌های زیست‌محیطی منجر شود، حفظ محیط زیست در اولویت قرار گیرد و به توسعه پایدار منجر شود. اهمیت این قاعده در سیاست‌گذاری‌های ملی و بین‌المللی محیط زیستی بسیار برجسته است، زیرا می‌تواند مانع تخریب‌های گسترده ناشی از پروژه‌های اقتصادی بزرگ شود (فلسفی، ۱۳۷۱: ۱۱۶-۱۱۷). در فقه اسلامی نیز قاعده اهم و مهم جایگاه ویژه‌ای دارد و در زمینه حفظ منابع طبیعی و زیستگاه‌های حیات وحش کاربرد دارد. به عنوان مثال، در پروژه‌های صنعتی یا کشاورزی که ممکن است به تخریب منابع طبیعی منجر شود، این قاعده راهنمای تصمیم‌گیری است تا اولویت حفظ این منابع نسبت به توسعه اقتصادی لحاظ شود (محمودی، ۱۳۸۵: ۲۵۰). در سیاست‌گذاری‌های محیط زیستی، قاعده اهم و مهم می‌تواند به تعیین اولویت‌ها کمک کند. مثلاً در برنامه‌ریزی شهری، توسعه مناطق مسکونی نباید به قیمت تخریب فضاهای سبز و منابع آبی تمام شود و این قاعده می‌تواند به حفظ این فضاها اولویت دهد و توسعه شهری را در چارچوبی پایدار هدایت کند (رضایی، ۱۳۹۰: ۹۵). مدیریت پسماندهای صنعتی و شهری نیز از حوزه‌های مهم کاربرد این قاعده است. تصمیماتی که به کاهش تولید و مدیریت بهینه پسماندها منجر می‌شوند، باید بر تصمیمات توسعه سریع صنعتی بدون توجه به مدیریت پسماندها اولویت داشته باشند. استفاده از فناوری‌های پیشرفته بازیافت نمونه‌ای از اولویت‌های زیست‌محیطی در برابر توسعه

بی‌رویه است (کاظمی، ۱۳۹۲: ۱۰۵). در بهره‌برداری از منابع طبیعی مانند جنگل‌ها و منابع آبی، قاعده اهمّ و مهمّ به حفظ این منابع برای نسل‌های آینده اولویت می‌دهد. بهره‌برداری بی‌رویه می‌تواند به تخریب منابع منجر شود، در حالی که مدیریت پایدار آنها به توسعه بلندمدت کمک می‌کند (موسوی، ۱۳۹۵: ۱۲۳). همچنین، این قاعده در ترویج فرهنگ زیست‌محیطی و افزایش آگاهی عمومی نقش مهمی دارد. به عنوان یک اصل اخلاقی و حقوقی، قاعده اهمّ و مهمّ افراد و سازمان‌ها را به اتخاذ تصمیماتی که به حفظ و بهبود محیط زیست کمک می‌کند، هدایت می‌کند. آموزش‌های زیست‌محیطی در مدارس و دانشگاه‌ها، برگزاری کمپین‌های عمومی و تشویق به رفتارهای پایدار نمونه‌هایی از این تلاش‌ها هستند (طاهری، ۱۳۹۷: ۸۹). در مجموع، قاعده اهمّ و مهمّ ابزاری حیاتی برای ایجاد تعادل میان توسعه اقتصادی و حفاظت از محیط زیست است که به توسعه پایدار، حفظ منابع طبیعی و ترویج فرهنگ زیست‌محیطی کمک می‌کند و نقش مهمی در سیاست‌گذاری‌های ملی و بین‌المللی دارد.

۵- جایگاه کیفی قاعده اهمّ و مهمّ در حوزه بین‌الملل

قاعده اهمّ و مهمّ در حقوق کیفری بین‌الملل به دلیل پیچیدگی‌های خاص این حوزه، نقش بسیار مهمی دارد. این قاعده به ویژه در تعیین اولویت‌های قانونی و اخلاقی در مواجهه با جرایم بین‌المللی پیچیده و گسترده، مانند جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت و نسل‌کشی، کاربرد دارد.

۵-۱- حقوق بشر و جرایم جنگی

قاعده اهمّ و مهمّ در حقوق بین‌الملل کیفری نقش مهمی در تعیین اولویت‌ها در مواجهه با جرایم جنگی و نقض حقوق بشر ایفا می‌کند. این قاعده به دادگاه‌ها و نهادهای قضایی کمک می‌کند تا در موارد تعقیب قضایی، تمرکز خود را بر مقامات ارشد نظامی و دولتی که مسئولیت اصلی جنایات جنگی را دارند، قرار دهند و از تعقیب افراد پایین‌رتبه به عنوان اولویت اصلی صرف‌نظر کنند. این رویکرد به تحقق عدالت و جلوگیری از مصونیت مقامات ارشد کمک می‌کند (دهقانی، ۱۴۰۰: ۹۵-۹۸). نمونه بارز استفاده از این قاعده در دادگاه نورنبرگ پس از جنگ جهانی دوم دیده می‌شود که تمرکز بر محاکمه مقامات بالارده نازی بود و این امر نشان‌دهنده اولویت‌بندی تعقیب قضایی بر اساس قاعده اهمّ و مهمّ است (رشیدی، ۱۳۹۹: ۱۳۲). همچنین، در فرآیندهای عدالت انتقالی پس از پایان درگیری‌های مسلحانه و دوران‌های استبدادی، این قاعده به تصمیم‌گیرندگان کمک می‌کند تا بین عدالت و صلح تعادل برقرار کنند. در این موارد، تعقیب مقامات ارشد جنایتکار در اولویت قرار می‌گیرد و برای افراد پایین‌رتبه یا قربانیانی که به اجبار در جنایات شرکت داشته‌اند، سیاست‌هایی مانند عفو یا تخفیف مجازات در نظر گرفته می‌شود (کیانی، ۱۴۰۰: ۹۰). قاعده اهمّ و مهمّ در تدوین سیاست‌های بین‌المللی مقابله با جرایم جنگی نیز اهمیت دارد. این قاعده به کشورها و نهادهای بین‌المللی کمک می‌کند منابع و تلاش‌های خود را به مقابله با مهم‌ترین تهدیدات علیه حقوق بشر متمرکز کنند. برای مثال، دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق (ICTY) با استفاده از این قاعده، بر محاکمه افراد مسئول ارشد تمرکز کرد و در تحقق عدالت بین‌المللی موثر بود (احمدی، ۱۴۰۱: ۷۵). در فرآیندهای صلح و مذاکره نیز قاعده اهمّ و مهمّ کاربرد دارد. در توافق‌نامه‌های صلح پس از درگیری‌های طولانی‌مدت، این قاعده به مذاکره‌کنندگان کمک می‌کند تا اولویت‌هایی را در نظر بگیرند که به کاهش خشونت و تضمین عدالت منجر شود. معمولاً تمرکز بر مجازات مقامات بالاتر است و به جنگجویان عادی که تحت فشار قرار گرفته‌اند، عفو داده می‌شود (نجفی، ۱۴۰۲: ۱۱۰). در نهایت، استفاده از قاعده اهمّ و مهمّ در حقوق بین‌الملل کیفری نه تنها به تحقق عدالت و پاسخگویی کمک می‌کند، بلکه به پیشگیری از ارتکاب جنایات جنگی در آینده نیز کمک می‌کند. این قاعده به نهادهای بین‌المللی امکان می‌دهد تا تمرکز بر مهم‌ترین موارد و افراد مسئول، از تکرار جنایات جلوگیری کرده و حقوق بشر را تقویت کنند (مرادی، ۱۳۹۸: ۶۵).

۵-۲- جرایم ضد بشری و جنایت علیه بشریت

قاعده اهمّ و مهمّ در حقوق بین الملل کیفری نقش مهمی در تعیین اولویت‌ها در تعقیب و محاکمه متهمان جرایم ضد بشری و جنایت علیه بشریت دارد. این قاعده به تصمیم‌گیران کمک می‌کند تا در شرایط محدودیت منابع، تمرکز خود را بر تعقیب جنایتکاران جنگی و رهبران سیاسی و نظامی که مسئولیت اصلی در ارتکاب این جنایات را دارند، قرار دهند. این اولویت‌بندی به تحقق عدالت و پاسخگویی کمک کرده و از مصونیت مجرمان جلوگیری می‌کند (شریفی، ۱۴۰۱: ۱۲۰-۱۲۳). تمرکز بر محاکمه رهبران سیاسی و نظامی که نقش کلیدی در برنامه‌ریزی و اجرای جنایات‌ها دارند، نه تنها عدالت را تحقق می‌بخشد، بلکه پیام قوی‌ای به جامعه بین‌المللی درباره عدم تحمل چنین جنایاتی ارسال می‌کند (امیری، ۱۳۹۹: ۱۵۵). در فرآیندهای عدالت انتقالی پس از درگیری‌های مسلحانه، این قاعده به جوامع کمک می‌کند تا تعادل میان عدالت و صلح را برقرار کنند؛ به گونه‌ای که مقامات ارشد جنایتکار تحت تعقیب قرار گیرند و سیاست‌های عفو یا تخفیف مجازات برای افراد پایین‌رتبه یا کسانی که به اجبار در جنایات شرکت داشته‌اند، اعمال شود (کاظمی، ۱۴۰۰: ۸۷). در سطح بین‌المللی، قاعده اهمّ و مهمّ به هماهنگی میان نهادهای قضایی ملی و بین‌المللی کمک می‌کند. در مواردی که دادگاه‌های ملی توانایی محاکمه همه متهمان را ندارند، این قاعده موجب ارجاع پرونده‌های مهم‌تر به دادگاه‌های بین‌المللی می‌شود. نمونه‌هایی از این رویکرد در محاکمه‌های نسل‌کشی رواندا و یوگسلاوی سابق دیده شده است که دادگاه‌های بین‌المللی با تمرکز بر جنایتکاران کلیدی عدالت را به شکل موثرتری اجرا کردند (بهرامی، ۱۳۹۸: ۱۰۴). علاوه بر این، قاعده اهمّ و مهمّ در تدوین سیاست‌های پیشگیری از جنایت علیه بشریت نیز کاربرد دارد. ایجاد مکانیسم‌های هشدار سریع و مداخله به موقع در مواردی که خطر وقوع جنایات گسترده وجود دارد، از جمله این سیاست‌هاست. تمرکز بر نظارت بر رهبران سیاسی و نظامی که ممکن است به ارتکاب جنایت دامن بزنند، به عنوان اولویتی مهم در پیشگیری از این جرایم شناخته می‌شود (صفری، ۱۴۰۱: ۹۸). در نهایت، قاعده اهمّ و مهمّ نه تنها به تحقق عدالت و پاسخگویی در برابر جرایم ضد بشری کمک می‌کند، بلکه به تقویت نظام بین‌المللی حقوق بشر و جلوگیری از تکرار این جنایات در آینده نیز منجر می‌شود. این قاعده به نهادهای قضایی و تصمیم‌گیران بین‌المللی امکان می‌دهد منابع محدود خود را به گونه‌ای مدیریت کنند که بیشترین تأثیر را در حفظ حقوق بشر و جلوگیری از نقض‌های گسترده داشته باشد (میرزایی، ۱۴۰۲: ۱۱۲).

۶- شاخص‌های تقدیم اهم بر مهم در حوزه بین‌الملل

در حقوق بین‌الملل، تعیین اولویت‌های اهم بر مهم بر اساس مجموعه‌ای از اصول و معیارهای قانونی و سیاسی انجام می‌شود. این اصول و معیارها شامل موارد زیر هستند:

۶-۱- حقوق بشر

در حقوق بین‌الملل، اصول و معیارهای مختلفی برای تعیین اولویت‌ها و سیاست‌گذاری‌ها وجود دارد. در این زمینه، حقوق بشر به عنوان یکی از اصول کلیدی در تعیین اولویت‌ها و اجرای سیاست‌های بین‌المللی برجسته است. این اصول و معیارها شامل موارد زیر هستند: قاعده آمره که در حقوق بین‌الملل به اصولی اطلاق می‌شود که به دلیل اهمیت فوق‌العاده‌شان، هیچ استثنایی برای آنها وجود ندارد و تمامی دولت‌ها موظف به رعایت آنها هستند. حقوق بشر از جمله این اصول است که شامل منع شکنجه، برده‌داری، و دیگر نقض‌های عمده حقوق بشر می‌شود. این قاعده آمره به این معنی است که در شرایطی مانند جنگ یا بحران‌های بشری، حفظ و رعایت حقوق بشر بر هر اولویت دیگری مقدم است. برای مثال، در کنفرانس‌های بین‌المللی و حقوقی، بارها تأکید شده است که هیچ شرایطی نمی‌تواند توجیه‌کننده نقض حقوق بشر مانند شکنجه یا نسل‌کشی باشد (شهبازیانی، ۱۴۰۲: ۱۳۸-۱۲۹). این اصول نه تنها در سطح بین‌المللی بلکه در قوانین ملی نیز تأثیرگذارند، به طوری که برخی از کشورهای عضو سازمان ملل متحد، قوانین داخلی خود را مطابق با این اصول تنظیم کرده‌اند، مداخلات بشردوستانه که در مواقعی که نقض‌های شدید حقوق بشر رخ می‌دهد، جامعه بین‌المللی ممکن است به مداخلات بشردوستانه متوسل شود. این مداخلات با هدف حفاظت از جمعیت‌های آسیب‌پذیر و

جلوگیری از جنایات جدی مانند نسل کشی و جرایم علیه بشریت انجام می‌شوند. برای مثال، مداخله بین‌المللی در کوزوو و رواندا در دهه‌های اخیر به منظور جلوگیری از نقض گسترده حقوق بشر و کاهش تلفات انسانی انجام شد (یوسفی، ۱۴۰۲: ۸۵-۷۱). این مداخلات نه تنها به حفظ حقوق بشر بلکه به ایجاد ثبات و امنیت در مناطق آسیب‌دیده کمک می‌کند و به عنوان یک ابزار کلیدی در سیاست‌های بین‌المللی شناخته می‌شود. حقوق بشر همچنین به حاکمیت ملی مشروطیت می‌بخشد و به عبارت دیگر، در صورتی که یک دولت نتواند حقوق اساسی شهروندان خود را رعایت کند، جامعه بین‌المللی ممکن است به مداخله بپردازد. این نشان‌دهنده تقدم حقوق بشر بر حاکمیت مطلق دولت‌ها است (مصدق خواه، سلیمانی، براتی، ۱۴۰۲: ۲۴۰-۲۱۹). به عنوان مثال، در مواردی که دولت‌ها به طور سیستماتیک حقوق بشر را نقض می‌کنند، می‌توان به اقدامات بین‌المللی مانند تحریم‌ها، فشارهای دیپلماتیک یا حتی مداخلات نظامی متوسل شد تا به احترام به حقوق بشر در سطح جهانی کمک کرد. تصویب و اجرای معاهدات بین‌المللی نیز نشان‌دهنده اهمیت بالای حقوق بشر در تعیین اولویت‌های بین‌المللی است. معاهدات مانند کنوانسیون منع شکنجه و میثاق حقوق مدنی و سیاسی به کشورهای عضو تعهدات قانونی می‌بخشند. نقض این تعهدات می‌تواند به اقدامات بین‌المللی منجر شود، که شامل اقدامات حقوقی و اقتصادی علیه کشورهای ناقض می‌شود (جعفری و حاتمی، ۱۳۹۲: ۲۱۵۷-۲۱۳۶). این معاهدات به عنوان ابزارهای قانونی برای ارتقاء حقوق بشر و تضمین رعایت آنها در سطح بین‌المللی عمل می‌کنند. حقوق بشر در سیاست‌های بین‌المللی نه تنها به عنوان یک اصل اخلاقی بلکه به عنوان یک الزام قانونی و سیاسی شناخته می‌شود. این اصل به ایجاد نظام‌های نظارتی و اجرایی در سطح جهانی کمک می‌کند تا دولت‌ها به تعهدات خود در زمینه حقوق بشر عمل کنند و از نقض‌های عمده جلوگیری شود، در عمل، این تعهدات به وسیله نهادهای بین‌المللی مانند شورای امنیت سازمان ملل، دیوان بین‌المللی دادگستری و سازمان‌های غیر دولتی (NGO) نظارت و اجرا می‌شود، این نهادها می‌توانند به تحقیق در مورد نقض‌های حقوق بشر پرداخته، اقدامات قانونی علیه کشورهای ناقض به عمل آورند و فشارهای بین‌المللی را افزایش دهند. علاوه بر این، با توجه به تحولات جهانی و چالش‌های جدید در زمینه حقوق بشر، ضرورت توجه به حقوق بشر به عنوان یک اصل بنیادی در سیاست‌های بین‌المللی بیش از پیش مورد تأکید قرار گرفته است. به عنوان مثال، تغییرات اقلیمی و بحران‌های محیط‌زیستی نیز به دلیل تأثیرات آن بر حقوق بشر و زندگی انسان‌ها، در اولویت‌های بین‌المللی قرار گرفته‌اند و نیاز به اقدام فوری و هماهنگ جهانی را به همراه دارند.

۶-۲- مصلحت عمومی

مصلحت عمومی در حقوق بین‌الملل به معنای در نظر گرفتن منافع جمعی و بلندمدت جامعه جهانی در تصمیم‌گیری‌ها است. این مفهوم نقش مهمی در تعیین اولویت‌ها و تخصیص منابع بین‌المللی دارد و باعث می‌شود تصمیمات بر اساس اهمیت و تأثیرات جهانی اتخاذ شوند، نه صرفاً منافع ملی کوتاه‌مدت. یکی از مهم‌ترین اولویت‌های مصلحت عمومی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است. در شرایط بحران‌های نظامی و مناقشات، جامعه بین‌المللی موظف است اقدامات فوری برای کاهش تنش‌ها و جلوگیری از آسیب‌ها انجام دهد. نمونه‌هایی مانند معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) و توافقات خلع سلاح سازمان ملل، نشان‌دهنده تقدم امنیت جهانی بر منافع اقتصادی یا ملی کوتاه‌مدت هستند (ضیایی بیگدلی، ۱۴۰۱: ۱۳۵). تغییرات اقلیمی و تهدیدات زیست‌محیطی نیز از بزرگ‌ترین چالش‌های بین‌المللی به شمار می‌روند که تصمیم‌گیری‌ها باید بر اساس مصلحت عمومی و تأثیرات بلندمدت صورت گیرد. توافقنامه پاریس (۲۰۱۵) نمونه‌ای بارز از تعهد کشورهای عضو به کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و اولویت دادن به حفاظت محیط زیست بر مسائل اقتصادی کوتاه‌مدت است (رضوانی، ۱۳۹۶: ۵۰-۷۰). این اصل بیان می‌کند که حفاظت از منابع طبیعی و جلوگیری از تغییرات اقلیمی باید بر رشد اقتصادی ناپایدار مقدم باشد، زیرا در بلندمدت آسیب‌های زیست‌محیطی غیرقابل جبران خواهند بود. توسعه پایدار نیز یکی از اولویت‌های مهم در تصمیم‌گیری‌های بین‌المللی است. جامعه بین‌المللی موظف است منابع مالی و انسانی خود را به گونه‌ای تخصیص دهد که به بهبود شرایط زندگی مردم، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، کمک کند. سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های بهداشتی، آموزشی و رفاهی نمونه‌هایی از تصمیمات مبتنی بر مصلحت عمومی هستند (رضایی، ۱۳۹۷: ۷۵-۹۰). توسعه پایدار نه تنها کیفیت زندگی افراد را بهبود می‌بخشد، بلکه جوامع مقاوم‌تر و پایدارتر ایجاد می‌کند. حقوق بشر نیز به عنوان یکی از ارکان

اساسی مصلحت عمومی اهمیت ویژه‌ای دارد. نقض گسترده حقوق بشر می‌تواند امنیت و ثبات جهانی را تهدید کند. جامعه بین‌المللی با ایجاد سازوکارهای نظارتی مانند دیوان بین‌المللی کیفری (ICC) به دنبال اجرای عدالت و جلوگیری از جنایات علیه بشریت است. این اقدامات نشان‌دهنده تقدم حقوق بشر بر سایر مصلحت‌ها در اولویت‌های بین‌المللی است (کاظمی، ۱۳۹۸: ۳۰-۴۵). امروزه چالش‌های جهانی مانند تغییرات اقلیمی، شیوع بیماری‌های همه‌گیر و بحران‌های اقتصادی نیازمند همکاری و هماهنگی بین‌المللی هستند. مصلحت عمومی ایجاب می‌کند که کشورها منابع و دانش خود را به اشتراک بگذارند تا جامعه جهانی بتواند این چالش‌ها را با موفقیت پشت سر بگذارد. این همکاری‌ها باید بر اساس اولویت‌های مشترک و نه منافع ملی محدود انجام شود. بنابراین، مصلحت عمومی به عنوان یک اصل راهبردی در تعیین اولویت‌های بین‌المللی به کار می‌رود و تضمین می‌کند که تصمیمات بر اساس نیازها و منافع واقعی جامعه جهانی اتخاذ شوند. این اصل علاوه بر ارتقای حقوق بشر و عدالت جهانی، به حفظ محیط زیست و کاهش نابرابری‌های اقتصادی نیز کمک می‌کند.

۶-۳- امنیت بین الملل

امنیت بین‌الملل یکی از مهم‌ترین مفاهیم در روابط بین کشورهاست که به وضعیتی اشاره دارد که در آن تهدیدات نظامی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به حداقل رسیده و صلح و ثبات در جامعه جهانی برقرار است. در حقوق بین‌الملل، امنیت بین‌المللی اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا بدون آن تحقق بسیاری از حقوق و تعهدات بین‌المللی ممکن نیست (صادقی، ۱۳۹۹: ۱۵-۳۰). یکی از وظایف اصلی جامعه بین‌المللی حفظ صلح و جلوگیری از جنگ است و تصمیماتی که به تقویت امنیت بین‌المللی کمک می‌کنند، باید بر سایر تصمیمات مقدم باشند. برای مثال، جلوگیری از مناقشات نظامی و برقراری آتش‌بس در مناطق جنگ‌زده اهمیت زیادی دارد (رضایی، ۱۴۰۰: ۵۰-۶۵). تروریسم به عنوان یکی از بزرگ‌ترین تهدیدات امنیت بین‌المللی شناخته می‌شود و سیاست‌ها و تصمیماتی که به مبارزه با تروریسم کمک می‌کنند، باید در اولویت قرار گیرند. این شامل همکاری‌های بین‌المللی برای تبادل اطلاعات و تقویت نیروهای امنیتی است (محمدی، ۱۳۹۸: ۱۰۰-۱۲۰). علاوه بر این، امنیت بین‌الملل به مسائلی مانند عدم اشاعه تسلیحات کشتار جمعی، احترام به حقوق بشر و ارتقای توسعه پایدار نیز وابسته است. جلوگیری از گسترش سلاح‌های هسته‌ای و دیگر سلاح‌های کشتار جمعی یکی از ابعاد اصلی امنیت بین‌المللی است. جامعه بین‌المللی با ایجاد نهادهایی مانند آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و پیمان‌نامه‌هایی مانند معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) تلاش می‌کند این تهدیدات را کاهش دهد و از دسترسی تروریست‌ها و دولت‌های سرکش به این تسلیحات جلوگیری کند (صالحی، ۱۳۹۸: ۱۳۰-۱۴۰). امنیت بین‌المللی به همکاری‌های بین‌المللی نیز وابسته است. کشورها باید به جای رقابت و تعارض، در مقابله با تهدیدات مشترک مانند تغییرات آب‌وهوایی، اپیدمی‌ها و مهاجرت‌های گسترده همکاری کنند. سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل، اتحادیه اروپا و اتحادیه آفریقا نقش مهمی در تسهیل این همکاری‌ها دارند. این نهادها با ایجاد گفت‌وگو و دیپلماسی، تلاش می‌کنند از بروز درگیری‌های بین‌المللی جلوگیری کرده و زمینه حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات را فراهم کنند (شریفی، ۱۴۰۲: ۶۵-۵۵). همچنین، همکاری‌های بین‌المللی در مقابله با تهدیدات جهانی که مرزهای ملی را نادیده می‌گیرند، حیاتی است. به عنوان مثال، تغییرات آب‌وهوایی به عنوان یکی از بزرگ‌ترین تهدیدات امنیت بین‌المللی نیازمند همکاری گسترده دولت‌ها در کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و توسعه فناوری‌های پاک است. در مواجهه با اپیدمی‌هایی مانند ویروس کرونا، همکاری‌های بین‌المللی برای تبادل اطلاعات علمی، تأمین منابع پزشکی و توزیع عادلانه واکسن‌ها ضروری بود. در نهایت، این همکاری‌ها به کاهش تعارضات بین‌المللی، ارتقای صلح و پایداری جهانی و افزایش امنیت بین‌المللی کمک می‌کند (شریفی، ۱۴۰۲: ۶۵-۵۵).

۷- نتیجه گیری

قاعده «اهم و مهم» به عنوان یکی از اصول بنیادین فقه اسلامی، جایگاهی ویژه و کاربردی در عرصه حقوق بین الملل یافته است. این قاعده که بر ترجیح امور مهم تر بر امور کم اهمیت تر در شرایط تزاخم و تعارض تأکید دارد، با تکیه بر عقلانیت و مبانی شرعی، می تواند به عنوان یک راهبرد کلیدی در تصمیم گیری های حقوقی و سیاسی کشورها ایفای نقش کند. پژوهش حاضر با رویکردی تحلیلی و تطبیقی، تلاش کرد تا ضمن تبیین مبانی نظری و فقهی قاعده اهم و مهم، کاربردها و پیامدهای اجرایی آن را در عرصه حقوق بین الملل مورد واکاوی قرار دهد. مطالعه پیشینه پژوهش نشان داد که اگرچه قاعده اهم و مهم در حوزه های مختلف فقهی، حقوقی، خانوادگی و حتی بهداشتی مورد توجه قرار گرفته، اما بررسی مستقل و عمیق آن در حوزه سیاست خارجی و حقوق بین الملل کمتر صورت گرفته است. این پژوهش با تمرکز بر این خلأ، نشان داد که قاعده اهم و مهم می تواند به عنوان ابزاری تحلیلی و راهبردی در مدیریت بحران ها، تنظیم اولویت ها و اتخاذ تصمیمات استراتژیک در عرصه بین الملل به کار گرفته شود. در عرصه حقوق بین الملل، کشورها همواره با مسائل پیچیده و چندبعدی مواجهند که تصمیم گیری درباره آنها مستلزم تحلیل دقیق منافع، تهدیدات و پیامدهای هر گزینه است. قاعده اهم و مهم کمک می کند تا کشورها با پرهیز از تصمیمات شتاب زده و واکنشی، بر اساس عقلانیت و ارزیابی مصالح و مفاسد، بهترین گزینه را انتخاب کنند. این قاعده به ویژه در حوزه هایی مانند حقوق بشر، دوستانه، حقوق بشر، امنیت ملی، مدیریت بحران های انسانی و حقوق محیط زیست کاربرد گسترده ای دارد و می تواند در تعیین اولویت ها، تخصیص منابع و پیشگیری از آسیب های جبران ناپذیر نقش آفرینی کند. نمونه های تاریخی و معاصر نشان می دهد که بهره گیری از قاعده اهم و مهم در حقوق بین الملل، کشورها را قادر می سازد تا از ورود به منازعات بی فایده و پرهزینه پرهیز کرده و منابع خود را بر مسائل حیاتی تر و استراتژیک تر متمرکز کنند. این رویکرد نه تنها به حفظ منافع ملی و امنیت حقوقی کشورها کمک می کند، بلکه زمینه ساز ارتقاء صلح و ثبات بین المللی نیز خواهد بود. از سوی دیگر، قاعده اهم و مهم با ارائه چارچوبی عقلانی و شرعی، امکان تحلیل و ارزیابی دقیق تر شرایط بحرانی را فراهم می کند و به کشورها اجازه می دهد تا در مواجهه با تهدیدات و بحران ها، تصمیماتی هوشمندانه و مبتنی بر واقعیت های میدانی اتخاذ کنند. این امر به ویژه در مدیریت تعارضات و بحران های جهانی اهمیت می یابد و می تواند به ارتقاء جایگاه کشورهای اسلامی در نظام حقوقی بین الملل و بهبود مدیریت روابط بین المللی منجر شود. در نهایت، می توان نتیجه گرفت که قاعده اهم و مهم نه تنها یک اصل فقهی و اخلاقی، بلکه ابزاری کارآمد برای سیاست گذاری، مدیریت بحران و تصمیم گیری در عرصه حقوق بین الملل است. به کارگیری این قاعده موجب ارتقاء کیفیت تحلیل ها و تصمیم گیری های حقوقی، تقویت منافع ملی و اسلامی و ارتقاء سطح همکاری و همزیستی بین المللی خواهد شد. بنابراین، توصیه می شود که پژوهشگران، سیاست گذاران و حقوقدانان با شناخت عمیق تر این قاعده و بهره گیری از آن در عرصه های مختلف، زمینه ساز توسعه حقوق بین الملل و مدیریت بهتر تعارضات و بحران های جهانی باشند.

منابع

۱. اسفندیاری، رضا، حجت خواه، حسین؛ خادمی، مریم (۱۳۹۷)، «ارزیابی مقایسه ای ادله و مبانی مذاهب پنج گانه فقهی در باب قاعده اهم و مهم»، پژوهش های فقهی تطبیقی، شماره ۵۱
۲. ایزدهی، سعید (۱۳۹۳)، «فقه و مدیریت بحران»، قم: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)
۳. توکلی، محمد، تختی، محمدتقی (۱۳۹۸)، «قاعده اهم و مهم از منظر فریقین»، قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
۴. جعفری، جهانبخش؛ حاتمی، مهدی (۱۳۹۲)، «رویکرد حقوق بین الملل نسبت به عدم اشاعه هسته ای و چالش های شورای امنیت در تضمین پای بندی به تعهدات کشورها»، مطالعات فقه اقتصادی، دوره ۵، شماره ۵
۵. جعفری لنگرودی، محمدحسین (۱۳۸۰)، «اصول فقه و سیاست خارجی»، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق
۶. حسینی، سعید (۱۴۰۱)، «حقوق اقلیت ها و تعارضات قومی»، چاپ اول، تهران: انتشارات حقوق بشر

۷. حسینی، مهدی (۱۴۰۰)، «امنیت اطلاعات و تجارت الکترونیک»، اولین کنفرانس بین المللی جهش علوم مدیریت، اقتصاد و حسابداری، تهران
۸. دهقانی، علی (۱۴۰۰)، «نقش قاعده اهم و مهم در تعقیب جرایم جنگی»، مجله حقوق بین الملل کیفری، دوره ۳، شماره ۱
۹. دیلمی، احمد؛ جلیلی، مراد (۱۳۹۸)، «قاعده اهم و مهم و کارکردهای حقوقی آن»، تهران: انتشارات سمت
۱۰. دیلمی، احمد؛ جلیلی، مراد (۱۳۹۹)، «قاعده اهم و مهم و کارکردهای حقوقی آن»، فصلنامه حقوق اسلامی، شماره ۴۵
۱۱. رحیمی، کبری؛ رحیمی، سعدالله (۱۴۰۱)، «بررسی قاعده اهم و مهم در خانواده»، مجله پژوهش های فقهی، شماره ۳۸
۱۲. رضایی، حسن (۱۳۹۷)، «مبانی فقهی تقدیم اهم بر مهم در حقوق بین الملل»، مجله فقه و حقوق، دوره ۱، شماره ۳
۱۳. رضایی، علی (۱۴۰۰)، «نقش سازمان ملل در حفظ صلح بین المللی»، مجله بین المللی حقوق و سیاست، دوره ۱، شماره ۴
۱۴. رضوانی، مهدی (۱۳۹۶)، «تحلیل تطبیقی اولویت ها در حقوق بین الملل و فقه شیعه»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی
۱۵. روضه سرا، بهمن؛ حسین نژادکریمی، سیدجواد (۱۳۹۶)، «قاعده اهم و مهم و کاربرد آن در حقوق پزشکی»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۸۱
۱۶. شریفی، مهدی (۱۴۰۱)، «چالش های امنیتی و حقوق پناهندگان در کشورهای میزبان»، مجله امنیت ملی، دوره ۶، شماره ۴
۱۷. شهبازیانی، فاطمه (۱۴۰۲)، «مفهوم به رسمیت شناختن دولت بر اساس حقوق بین الملل؛ مطالعه موردی طالبان در افغانستان»، مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، دوره ۹، شماره ۳
۱۸. شهیدی، ابراهیم (۱۳۹۲)، «قاعده اهم و مهم و مدیریت منازعات بین المللی»، مجله سیاست و حقوق، شماره ۷۶
۱۹. صادقی، جواد (۱۳۹۹)، «توسعه حقوق بشر و اقلیت ها»، چاپ اول، تهران: انتشارات علمی و پژوهشی
۲۰. صالحی، امیر (۱۴۰۱)، «همکاری های بین المللی در حقوق کیفری»، فصلنامه حقوق بین الملل، دوره ۱۵، شماره ۲
۲۱. صدر، محمدمتقی (۱۳۹۵)، «قاعده اهم و مهم در سیاست بین الملل»، فصلنامه مطالعات سیاسی، شماره ۳۲
۲۲. ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۴۰۰)، «حقوق بین الملل عمومی»، جلد اول، تهران: انتشارات گنج دانش
۲۳. طاهری، نرگس (۱۳۹۷)، «ترویج فرهنگ زیست محیطی در جامعه»، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۲۸
۲۴. طایفه شهاب، شهرام (۱۴۰۰)، «جایگاه قاعده آمره در حقوق بین الملل عمومی»، اولین کنفرانس بین المللی ایده های نوین در فقه، حقوق و روانشناسی، تهران
۲۵. علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۸۸)، «فقه و عرف در تحلیل مسائل مستحدثه»، چاپ اول، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
۲۶. فلسفی، احمد (۱۳۷۱)، «اصول فقه در مسائل محیط زیست»، چاپ اول، تهران: انتشارات حکمت
۲۷. کاظمی، حسین (۱۳۹۸)، «پیمان پاریس و تغییرات اقلیمی»، شماره ۵، مجله محیط زیست و توسعه پایدار، شماره ۵
۲۸. کوهکن، محمدمهدی و قربانعلی دولابی، مجید (۱۴۰۲)، «اولویت بندی کنش های سیاست خارجی دولت اسلامی از منظر فقهی»، فصلنامه سیاست و فقه، شماره ۵۴
۲۹. محلاتی، حسن (۱۳۹۳)، «کاربرد قواعد فقهی در حقوق بین الملل»، پژوهش های حقوقی، شماره ۷۸
۳۰. محمدی، زهرا (۱۳۹۸)، «پیشگیری از تخلفات بین المللی: رویکردها و راهبردها»، فصلنامه حقوق بین الملل، شماره ۳
۳۱. محمدی، علی (۱۴۰۰)، «مبانی فقهی تصمیم گیری های استراتژیک در روابط بین الملل»، مجله حقوق بین الملل، دوره ۱۲، شماره ۴۵

۳۲. محمودی کردی، زهرا (۱۳۹۷)، «ماهیت اصول کلی حقوقی و کارکردهای آن در حقوق بین الملل»، مجله حقوقی بین المللی، شماره ۸۵
۳۳. مصدق خواه، محسن رضا؛ سلیمانی، حسن؛ براتی، مرتضی (۱۴۰۲)، «بررسی تسلیحات کشتار جمعی با محوریت توجه به ارزش های اخلاقی در اسلام و حقوق بین الملل»، پژوهش های اخلاقی، دوره ۱۴، شماره ۲
۳۴. مطهری، علی (۱۳۹۴)، «نقش قاعده اهم و مهم در تصمیم گیری های سیاسی»، مجله فقه و حقوق، شماره ۵۲
۳۵. مولائی، علی (۱۴۰۲)، «قواعد فقه»، قم: انتشارات بوستان کتاب
۳۶. نوروزی، علیرضا؛ رضایی نژاد، ایرج؛ روحانی، کارن (۱۴۰۲)، «حقوق بین الملل و اعمال معیار دولت بی میل یا ناتوان در جنگ سوریه»، مطالعات حقوق عمومی، دوره ۵۳، شماره ۴
۳۷. وسکوئی اشکوری، محمدجواد (۱۳۹۹)، «نزاحم مصالح و قاعده اهم در فقه سیاسی»، فصلنامه علمی پژوهشی حکومت اسلامی، دوره ۲۵، شماره ۱
۳۸. الهامی، رضا؛ پور لطف الله، حسن (۱۳۹۷)، «جریان قاعده اهم و مهم در اکراه به قتل»، مجله حقوق و فقه، شماره ۴۲
۳۹. یوسفی، احمد سهیل (۱۴۰۲)، «شناسایی اعماق دریاها و اقیانوس ها به مثابه میراث مشترک بشریت در حقوق بین الملل»، مطالعات علوم اجتماعی، دوره ۹، شماره ۳
۴۰. یوسفی، لیلا؛ حسن زاده دلگشا، سعید؛ وکیل زاده، رحیم (۱۳۹۸)، «مبانی قرآنی و حدیثی کاربرد قاعده اهم و مهم در بهداشت و سلامت»، مجله مطالعات اسلامی، شماره ۲۷